

**مروری کندوکاوانه بر طرح «حذف کنکور» و
«قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز
آموزش عالی کشور»**

**به سفارش دفتر اطلاع رسانی مراکز پژوهش‌های مجلس شورای
اسلامی**

حمید جاودانی

استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

اسفند ماه ۱۳۸۷

به نام خدا

نقد و بررسی «قانون پذیرش دانشجو در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور»

اگرچه «قانون پذیرش دانشجو در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور»، مراحل قانونی خود را طی کرده است و لازم الاجرا می‌باشد، اما به دلیل اهمیت موضوع که می‌تواند تأثیرگذار بر سرنوشت کشور و شمار زیادی از خانوارهای ایرانی شود، و احتمال تغییراتی که می‌تواند برمبنای طرحها یا لوایحی نظیر «طرح حذف کنکور» در آن ایجاد شود، مروری کندوکاوانه بر آن ضروری به نظر می‌رسد. پیش از تأملی بر قانون یادشده، طرح چند پرسش می‌تواند در روشن ساختن نقاط ضعف قانون یادشده مفید واقع شود.

۱- هدف اصلی از تصویب این قانون چه بوده است؟

۲- نقاط ضعف و مشکلات اصلی کنکور کدامند؟

۳- این قانون در نظر دارد با چه سازوکاری نقاط ضعف و مشکلات کنونی کنکور را بر طرف کند؟

۴- مشکلات مفهومی طرح یادشده چیست؟

۵- آیا کاربست محتوای این قانون می‌تواند مشکلات کنونی کنکور را بر طرف کند؟

باتوجه به محتوای قانون مصوب پذیرش دانشجو و طرح ارائه شده، چنین به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین دشواری کنکور، ظاهراً مسئله «زمان بندی» آن بوده است. به سخنی روشن‌تر، همان‌گونه که در طرح حذف کنکور آمده است، برگزاری کنکور «در یک روز سرنوشت ساز» (ص. ۱۰). طرح حذف کنکور) اصلی‌ترین معضل کنکور تلقی شده است. بنابراین، طرح و یا حتی قانون مصوب تنها سعی داشته‌اند که این معضل را حل کنند. حال آن که به موجب مطالعات

پژوهشی انجام شده تاکنون، کمتر مطالعه یا طرح پژوهشی وجود دارد [تا آنجایی که نگارنده اطلاع دارد] که بر این مشکل تأکید داشته باشد. در نتیجه چنین برداشتی از وضع موجود، موجب شده است که در قانون جدید، صرفاً کنکور سراسری به «امتحان نهایی کشوری» تغییر نام داده و مجری آن از سازمان سنجش به وزارت آموزش و پرورش انتقال یابد [ماده ۱- قانون مصوب ۸۷/۸/۹]. دلیل چنین استدلالی بسیار روشن است، چرا که در تعریف «سابقه تحصیلی» چنین آمده است: «نتایج امتحان نهایی [تستی یا تشریحی؟] کشوری دروسی است که داوطلب در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی فرا گرفته است [ماده یک قانون مصوب ۸۷/۸/۹]. آیا کنکور سراسری به سنجش مواردی غیر از دروس دوره متوسطه و پیش دانشگاهی می‌پرداخته است؟

به علاوه اگرچه در ماده یک قانون به «سابقه پرورشی و مهارتی» نیز اشاره شده است، اما صرف نظر از محدود ساختن آن به مسابقات استانی، کشوری و یا بین‌المللی، دیگر هیچ اشاره‌ای به نقش آن در فرایند گزینش دانشجو نشده است. وانگهی، محدودیت یاد شده، از دو منظر قابل تأمل است:

۱- آیا مسابقات فرهنگی، هنری، ورزشی، مهارتی علمی و پژوهشی که به ویژه در سطوح استانی و ملی برگزار می‌شود، توان سنجش تمامی «سابقه پرورشی و مهارتی» کلیه دانش آموزان کشور را دارد؟

۲- آیا تمامی دانش آموزان کشور، با فرصت برابر امکان مشارکت در این مسابقات را دارند؟ و ... از سوی دیگر، ترکیب کار گروه پیشنهادی، بیشتر جنبه اجرایی دارد تا علمی. شاید چنین ترکیبی بتواند به بررسی و تصویب سناریوهای کارشناسی پیشنهادی بپردازد. اما دور از ذهن

است که با مشغله شغلی چنین افرادی، قادر باشند به بررسی مسائل علمی- آموزشی بپردازند که ممکن است هیچ ارتباطی با تخصص علمی آنها نداشته باشد. به علاوه نقش دانشگاهها و سایر بازیگران و ذینفعان بسیار ضعیف دیده شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

به طور کلی و خلاصه به نظر می رسد قانون مصوب، حتی اگر به بهترین شکل به اجرا درآید از مشکلات زیر برخوردار خواهد بود:

۱- به دلیل نبود تعاملات لازم میان نظام آموزش و پرورش و نظام آموزش عالی، شکل پیشنهادی برگزاری «امتحان نهایی کشوری» وزن بیشتری به آموزش و پرورش می دهد، و نیازهای دانشگاهها نادیده انگاشته خواهد شد.

۲- اگرچه « فرایند سنجش» از طریق « امتحان نهایی کشوری» در این قانون مشخص شده است اما هیچ اشاره ای به فرایند «پذیرش» و سازوکارهای آن نشده است.

۳- مهم تر از همه این که «فرایند سنجش» تنها یک تغییر نام است و نمی تواند هیچ یک از مشکلات کنکور را که آسیبزا برای نظام آموزش و پرورش کشور و آموزش عالی بوده است برطرف کند!

۲- نقد و بررسی طرح حذف کنکور:

۱ - برای آشنایی بیشتر با آسیبهای کنکور به پیوستها مراجعه شود.

نکته قابل تأملی که در «طرح حذف کنکور» به چشم می‌خورد و آن را از قانون پذیرش دانشجو متمایز می‌سازد، مشارکت بیشتر دانشگاهها و رعایت استقلال آنها در فرایند پذیرش دانشجو است. به عبارت دیگر، در طرح حذف کنکور، فرایند سنجش، از پذیرش جدا می‌شود که می‌تواند نقطه قوت طرح به شمار آید. چرا که این جداسازی فرایند سنجش از پذیرش از جمله نکاتی است که در بسیاری از مطالعات انجام شده بر آن تأکید شده است.

اما، به جز نکته مثبت یاد شده، تغییر چشمگیر دیگری در طرح به چشم نمی‌خورد. بلکه بر عکس طرح یاد شده، موجب پیچیده‌تر شدن، هزینه برتر شدن، و زمان برتر شدن فرایند سنجش خواهد شد که هر یک خود می‌تواند آسیب‌هایی جدی به نظام آموزشی کشور وارد آورد. به علاوه دو نکته مثبت موجود در «قانون پذیرش دانشجو..» یعنی «سابقه تحصیلی» و «سابقه پرورشی و مهارتی» که در نظام‌های آموزشی بسیاری از کشورها، بویژه کشورهای توسعه یافته از شاخص‌های اصلی سنجش و پذیرش برای دستیابی به آموزش‌های سطوح بالاتر بویژه آموزش عالی است، اساساً نادیده انگاشته شده است [اگرچه، چگونگی ارزیابی این دو معیار نیز در «قانون پذیرش دانشجو» مبهم است].

نکته پرسش انگیز دیگری که در طرح به چشم می‌خورد، اگر چه می‌تواند نکته مثبتی در ساماندهی وضعیت تأمین و تخصیص منابع مالی آموزش عالی به شمار آید، [البته در صورتیکه چنین اراده‌ای وجود داشته باشد و منابع مالی آن تأمین شده باشد] پرداخت هزینه‌های تحصیلی ثبت نام شدگان به صورت وام از سوی دولت است.

اما اجرای چنین طرحی نیازمند مطالعه و گنجاندن آن در برنامه‌های توسعه و تأمین منابع آن از سوی دولت است. در عین حال ابهامات زیادی در این پیشنهاد وجود دارد که دست کم نیازمند پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

• آیا دولت در نظر دارد کلیه هزینه‌های یکبار تحصیل دانشجویان کشور را در کلیه دوره‌های آموزشی از طریق وام بلند مدت تأمین کند؟

• آیا اعتبار لازم برای انجام چنین پیشنهادی محاسبه و پیش بینی شده است؟

• آیا دولت قصد دارد بدون در نظر گرفتن وضعیت مالی دانشجویان، یارانه‌های آموزشی را به یک نسبت میان آنها تقسیم کند؟

• آیا تاکنون برآوردی برای سرانه دانشجویی، در دوره‌های مختلف آموزشی و رشته‌های گوناگون انجام شده است؟

• و بسیاری پرسش‌های دیگر که اجرای چنین طرحی نیازمند پاسخگویی و روشن شدن آنهاست.

وانگهی همان گونه که اشاره شد، «طرح حذف کنکور» حتی اگر قابلیت اجرایی داشته باشد. تنها شاید بتواند مشکل «محدودیت زمانی» مبنی بر «اختصاص چند ساعت خاص» برای روشن شدن وضعیت دستیابی به آموزش عالی داوطلبان را حل می‌کند و سایر معضلات ناشی از کنکور که موجب ناکارکردی و بدکارکردی احتمالی نظام آموزشی کشور شده است را نادیده انگاشته است. دیگر کاستی‌های طرح پیشنهادی تحت عنوان‌های زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پیچیده تر شدن فرایند سنجش و پذیرش دانشجو

پیش از پرداختن به موضوع پیچیدگی سنجش داوطلبان از طریق «امتحان رایانه‌ای هوشمند» لازم است طراحان طرح به پرسش‌های زیر پاسخ گویند:

- آیا مشکل کنکور در وضعیت کنونی فقط ناشی از برگزاری آن در روز و ساعت معین است؟ یا برگزاری آزمونی متمرکز است که اساساً مشخص نیست چه چیزی را می‌سنجد؟
- آیا معضلات علمی- آموزشی ناشی از برگزاری کنکور به شکل کنونی که در طرحها و مطالعات زیادی بدان اشاره شده است. صرفاً با تغییر روش برگزاری حل خواهد شد؟
- آیا هزینه‌های برگزاری امتحان رایانه‌ای هوشمند، از جمله ایجاد سایت‌های لازم مجهز به رایانه و اینترنت برآورد شده است؟
- آیا امکان سنجی‌های لازم برای اجرای چنین طرحی انجام شده است؟
- عنوان طرح «حذف کنکور» است، آیا اجرای چنین طرحی به حذف کنکور می‌انجامد یا پیچیده تر شدن فرایند سنجش؟
- آیا امکان سنجی‌های لازم برای پذیرش دانشجو از طریق دانشگاهها انجام شده است؟ به سخنی روشن‌تر، آیا با توجه به روند افزایشی پذیرش دانشجو در دانشگاههای کشور، و در نتیجه افزایش فعالیت‌های آموزشی استادان و امور برنامه‌ریزی و اجرایی کارکنان دانشگاهها، انجام پذیرش دانشجو از طریق آنها امکان پذیر است؟
- آیا سازوکارهای نظارتی در فرایند پذیرش دانشجو توسط دانشگاهها برای رعایت عدالت و دسترسی برابر در نظر گرفته شده است؟

• آیا رویکردهای نوین عصر دانش مبنی بر تغییر «الگوهای ذهنی» در چگونگی برگزاری

امتحان هوشمند رایانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است؟

در خور یادآوری است که بسیاری از اندیشه پردازان کنونی بر این باورند که الگوهای ذهنی

دانش، اندیشه و یادگیری که در عصر صنعتی بر مبنای اصولی نظیر:

• یادگیری در افراد انجام می‌شود؛

• دانش از جنس ماده است؛

• یادگیری به مفهوم انباشت ماده در ذهن است (و برخی ظرفیت انباشت بیشتری دارند)

مورد سنجش قرار می‌گرفت، امروزه منسوخ شده است. تغییرات رویکردی در زمینه

الگوهای ذهنی، امروزه بر این نکته تأکید دارند که «دانش تولید ایستای اندیشه بشری

نیست، نوعی ماده^۲ که بتواند در «رشته» یا کارشناس کدگذاری شود. دانش در عصر

امروز بیشتر به انرژی شباهت دارد. مانند چیزی که بر مبنای اثربخشی در کنش و نتایج و

پیامدهای بدست آمده از آن تعریف می‌شود. به سخنی روشن‌تر، امروزه دیگر، دانش

«شی»^۳ تلقی نمی‌شود که بتوان آن را به طور مشخصی تعریف کرد و انباشت آن را از

طریق برگزاری آزمونی سراسری مورد سنجش قرارداد. بر مبنای چنین برداشتی، دانش

بیشتر به یک فرایند می‌ماند تا یک محصول. دانش به طور مداوم در حال تغییر، تحول و

در جریان است و خود را به اشکال نوین بازسازی می‌کند.

۱ Mental Models

۲ Matter

۳ Thing

بنابراین، باتوجه به تغییرات نظری پدید آمده، آیا برگزاری چنین آزمونهایی می‌تواند سطح دانش داوطلبان را بدستی بسنجد؟ یا اساساً برگزاری هرگونه آزمونی نیازمند بازاندیشی در الگوهای ذهنی است؟

جمع‌بندی:

در مجموع، با توجه به پرسش‌های مطرح شده، طرح حذف کنکور را می‌توان چنین ارزیابی کرد:

- ۱- حفظ وضع موجود با تغییراتی در چگونگی روش برگزاری کنکور؛
- ۲- تحمیل هزینه‌های بیشتر به خانوارهای ایرانی برای گذر از سد نوین دستیابی به آموزش عالی؛
- ۳- تأکید طراحان به دریافت هزینه‌های بیشتر از متقاضیان آموزش عالی؛
- ۴- نادیده انگاشتن رویکردهای نوین «الگوهای ذهنی» برای سنجش دانش متقاضیان آموزش عالی،
- ۵- بی‌توجهی طراحان طرح به یافته‌های آسیب‌شناختی کنکور کنونی؛
- ۶- بی‌توجهی به هزینه‌ها و هزینه فرصت‌های متقاضیان آموزش عالی؛
- ۷- عدم انجام امکان‌سنجی‌های لازم حتی برای انجام تغییرات پیشنهادی؛
- ۸- بی‌توجهی به مبانی نظری ارزشیابی در نظام‌های آموزشی؛
- ۹- پیچیده‌تر ساختن فرایند سنجش و پذیرش متقاضیان؛
- ۱۰- بی‌توجهی به کاستی‌های وضع موجود و قانون پذیرش دانشجو؛

- ۱۱- نامشخص بودن هدف طرح، حذف کنکور یا تغییر در روش برگزاری؛
- ۱۲- بی‌توجهی طراحان به یافته‌های پژوهشی برای تغییر وضع موجود؛
- ۱۳- بی‌توجهی به نظرات بازیکنان و ذینفعان نظام آموزشی کشور؛
- ۱۴- گنجاندن مسائل فرعی در ارتباط با طرح، اما بسیار مهم در قلمرو نظام آموزشی کشور؛
- ۱۵- عدم رعایت اصول شکلی در ارائه طرح.

در ادامه، چکیده فراتحلیلی از آسیب‌شناسی کنکور به مثابه تهدیدی برای نظام آموزشی کشور به پیوست تقدیم می‌شود.

به این ترتیب، اگرچه آسیب‌های برآمده از وضعیت کنونی کنکور، نظام آموزشی کشور، در کلیه سطوح عالی، متوسطه و حتی ابتدایی را به ناکارکردی و بدکارکردی کشانده است، اما انجام تغییرات شتاب زده و غیرکارشناسی و در نظر نگرفتن آرای کلیه ذینفعان در آن می‌تواند آسیب‌های ناگوار دیگری را به همراه داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد طرح یا لایحه‌ای می‌تواند به بهبود وضعیت کنونی بیانجامد که ضمن در نظر داشتن مبانی نظری روزآمد، توجه به آسیب‌شناسی‌های وضع موجود، راه را برای تغییرات اساسی بر مبنای اصولی نظیر: دسترسی برابر، استقلال دانشگاهها و هموار سازد. /ت

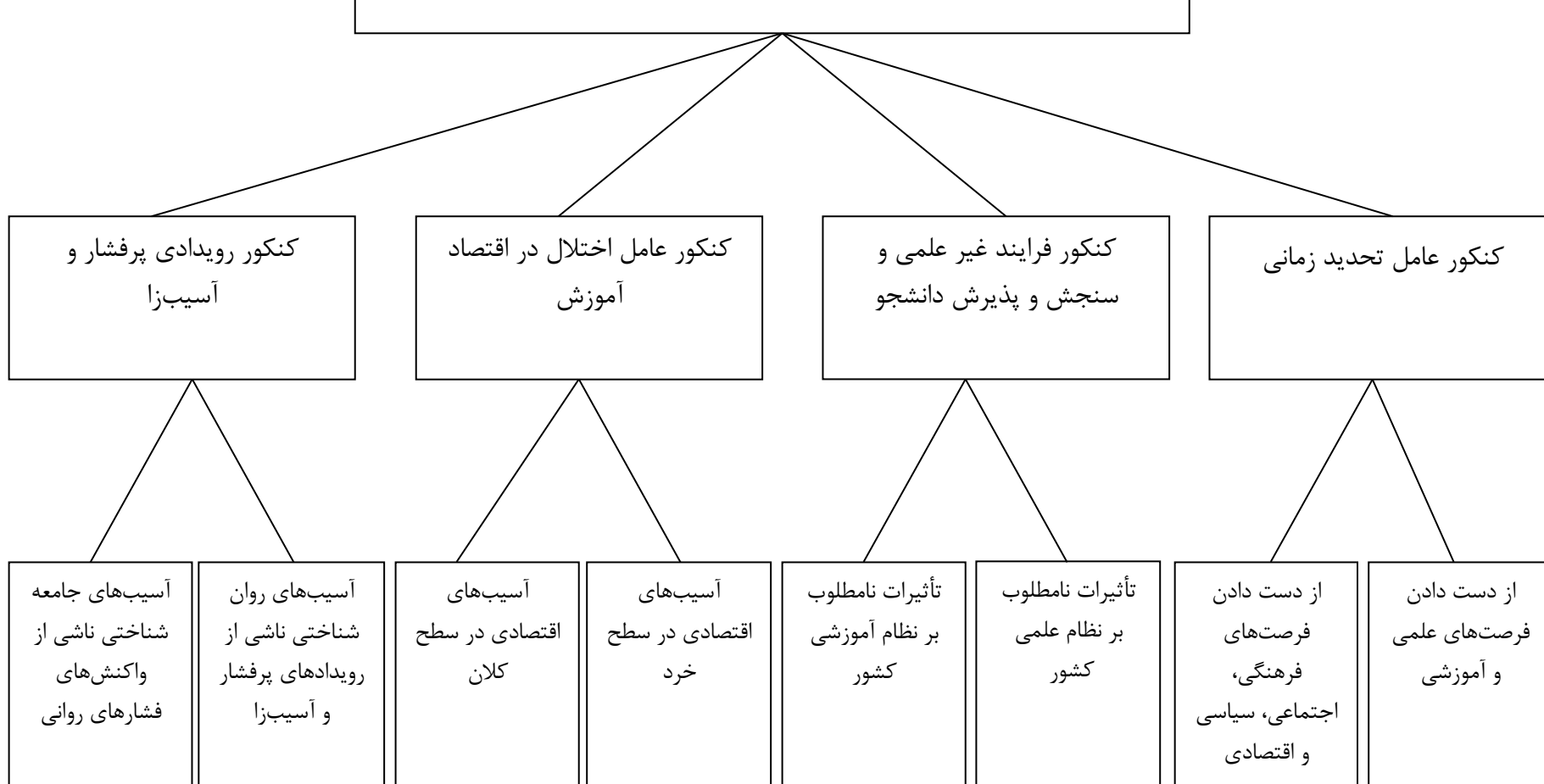
با احترام

حمید جاودانی

استادیار مؤسسه پژوهش و

برنامه‌ریزی آموزش عالی

کنکور به مثابه تهدیدی برای نظام آموزش و پرورش کشور



| پیامدها | | تهدیدها در سطح کلان | گونه شناسی تهدیدها |
|---|---|---|--|
| نظام آموزش و پرورش (به مثابه خرده سیستم اجتماعی) | خانواده | | |
| <ul style="list-style-type: none"> ● افزایش سطح غیبت و عدم حضور معلم‌ها در مدرسه: - به دلیل صرف وقت در آموزش‌های غیر مدرسه (کلاس کنکور، تدریس در منزل، کلاس‌های تفریحی) - به دلیل افزایش خستگی فشار کار خارج از مدرسه - کاهش انگیزه در تدریس درس‌های مدرسه - صرف وقت برای تهیه تست کنکور - کاهش احساس مسئولیت به دلیل کم اثربخش بودن آموزش‌های مدرسه - بی‌علاقگی دانش آموزان به دروس مدرسه - بی‌اعتنایی والدین به آموزش‌های رسمی مدرسه ● افزایش غیبت دانش آموزان: - محدودیت زمانی ناشی از کلاس‌های تقویتی و مطالعه آنها - بی‌رغبتی به آموزش‌های مفهومی و عمیق - غیر اثربخش بودن آموزش‌های رسمی در موفقیت در کنکور ● اثرپذیری سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی درسی: - جدی نگرفتن برنامه‌های درسی در مدارس - کم اثر شدن برنامه‌های آموزشی غیر رسمی - کاهش فعالیت‌های فرهنگی و هنری اثربخش در مدرسه - کاهش اثربخشی حضور در مدرسه - کاهش تعامل دانش آموزان با معلم‌ها و مشاوران - کاهش تعامل والدین با محیط‌های آموزشی رسمی - بی‌انگیزگی مدیران و کارکنان دفتری - کاهش پویایی محیط‌های آموزش‌های رسمی | <ul style="list-style-type: none"> ● افزایش زمان کاری والدین به ویژه سرپرست خانواده ● کاهش اوقات فراغت خانواده: - کاهش فعالیت‌های فرهنگی - کاهش زمان سفرهای داخلی و خارجی - کاهش زمان استراحت و تفریح - کاهش فرصت‌های تعاملات اجتماعی - کاهش فرصت هم‌کنشی‌های دورن خانوادگی - کاهش حساسیت نسبت به تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه - کاهش زمان مطالعه (کتاب، روزنامه و ...) - کاهش زمان هم‌کنشی با محیط‌های آموزشی فرزندان - افزایش احساس خستگی و بی‌احساسی - افزایش شکاف فرهنگی در میان خانواده به دلیل کاهش تعاملات - افزایش درگیری‌های خانوادگی ناشی از خستگی و بی‌احساسی | <ul style="list-style-type: none"> ● کاهش زمان مطالعات غیر درسی ● کاهش اوقات فراغت: - کاهش فعالیت‌های فرهنگی (هنر، سینما، تئاتر و ...) - کاهش زمان سفرهای داخلی و خارجی - کاهش زمان استراحت و تفریح (خواب، گردش و ...) - کاهش فرصت‌های تعامل اجتماعی (دیدارهای خانوادگی و ...) - از دست دادن فرصت مجال آشنایی با محیط‌های کاری - از دست دادن فرصت مجال آشنایی با رشته‌های دانشگاهی - کاهش فعالیت‌های سیاسی (شرکت در انتخابات در مدرسه و جامعه) - کاهش زمان هم‌کنشی در محیط خانواده - افزایش فرصت‌های از دست رفته بر اثر شرکت چندباره در کنکور - از دست دادن بهترین لحظات زندگی - افزایش هزینه- فرصت‌های از دست رفته - از دست دادن زمان فرصت یادگیری مهارت‌های زندگی | <ul style="list-style-type: none"> ● کنکور به مثابه عامل تحدید زمانی ● از دست دادن فرصت‌های علمی و آموزشی ● از دست دادن فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی |

| پیامدها | | دانش آموزان | آسیب‌های برآمده از تهدیدها در سطح کلان | گونه شناسی تهدیدها |
|---|--|---|--|--|
| نظام آموزش و پرورش (به مثابه خرده سیستم اجتماعی) | خانواده | | | |
| <ul style="list-style-type: none"> • تغییر نظام پاداش دهی در نظام آموزشی کشور • پیروی نظام آموزشی کشور از کنکور • بی‌اعتمادی جامعه به نظام آموزشی کشور • کاهش همیاری خانواده‌ها با نظام آموزشی کشور • انتقال بی‌حسی به سطوح بالاتر تحصیلی: • افت تحصیلی • پیامدهای افت تحصیلی بر نیروی انسانی کشور از جمله نیروی انسانی آموزش و پرورش • افزایش فعالیت‌های آموزشی غیر اثربخش (کلاس‌های کنکور) • هرزرفت نیروی انسانی، منابع مالی و تجهیزات آموزشی در آموزش‌های غیر اثربخش • کاهش نیروی انسانی کارآمد آموزش و پرورش و جذب آنها در آموزش‌های غیر اثربخش • جذب دانشجویان رده پایین کنکور و بی‌علاقه و انگیزه به حرفه معلمی • انحراف نظام آموزشی از اهداف آموزشی: - یاد گرفتن یادگیری - آموزش مهارت‌های زندگی و ... - کم شدن نقش مدارس به عنوان رکن اساسی توسعه مدنی | <ul style="list-style-type: none"> • کاهش همیاری فرزندان با خانواده • افزایش بی‌اعتمادی خانواده‌ها به مدرسه • بی‌اعتمادی به علم و دستاوردهای آن • افزایش مهاجرت به شهرهای بزرگ • افزایش مهاجرت به خارج از کشور • افزایش ارسال فرزندان به خارج از کشور و پیامدهای آتی آن بر خانواده • افزایش سفرهای درون شهری فرزندان و اثرات آن بر خانواده: اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی • پیدایش والدین فاقد مهارت‌های لازم زندگی | <ul style="list-style-type: none"> • کاهش توانایی‌ها و مهارت‌های دانش آموزان و دانش آموختگان مدارس: - ناآشنایی با مهارت‌های مسأله‌یابی و حل مسأله - ناتوانی یا کم توانی در فن نوشتار - افزایش سطحی معلومات دانش آموزان - به جای فهم مطالب - کاهش خلاقیت، ابتکار، نوآوری در دانش آموزان - رواج چکیده خوانی و در نتیجه ناتوانی در تحلیل و ایجاد ارتباط بین مفاهیم - کاهش مهارت‌های لازم برای حضور در کلاس: دقت، تمرکز، حواس جمعی، نکته سنجی، یادداشت برداری و ... - عدم مهارت در طرح پرسش و پرسشگری • انفعال و یادگیری: عدم مهارت در هم کنشی در کلاس • کاهش روحیه فقر، نوآوری و کارآفرینی • بی‌اعتیایی به محیط‌های آموزش رسمی • بی‌اعتنایی به معلم‌ها و مشاوران • جذب شدن به سوی کلاس‌های غیر درسی کنکور و بی‌اعتباری درس مدرسه | <ul style="list-style-type: none"> • تأثیرات نامطلوب بر نظام علمی کشور • تأثیرات نامطلوب بر نظام آموزشی کشور • به فراموشی سپردن اهداف آموزش و پرورش | <ul style="list-style-type: none"> • کنکور به مثابه فرایندی غیر علمی در سنجش و پذیرش دانشجو |

| پیامدها | تهدیدها در سطح کلان | گونه شناسی تهدیدها | نظام آموزش و پرورش (به مثابه خرده سیستم اجتماعی) | |
|--|--|--|---|-------------|
| | | | خانواده | دانش آموزان |
| <ul style="list-style-type: none"> • افزایش سرمایه گذاری در زمینه آموزش های غیر اثربخش • کاهش سرمایه گذاری در آموزش های غیر اثربخش • کاهش بازده سرمایه گذاری در آموزش های رسمی (بازده انفرادی و اجتماعی) • کاهش راه های تأمین منابع مالی آموزش از طریق کاهش تمایل همیاری خانواده ها • کاهش راه های تأمین منابع مالی آموزش از طریق کاهش تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری در آموزش های رسمی اثربخش • افزایش نابرابری در دسترسی به آموزش عالی در میان طبقات کم درآمد جامعه • کاهش تقاضای نیروی انسانی کارآمد برای اشتغال در آموزش و پرورش به دلیل وجود نابرابری در دستمزدها در مقایسه با کلاس های کنکور ... • افزایش فساد در نظام آموزش و پرورش: - کم کاری آموزشگران به دلیل کاهش دستمزد - شکل گیری باندهای مافیایی در آموزش و پرورش، سازمان سنجش و کلاس های تقویتی - تلاش آموزشگران و مدارس برای جلب تقاضا به آموزش های غیر درسی: تشکیل کلاس های خصوصی در مدرسه و منازل - رواج سوداگری در نظام آموزشی کشور - نارضایتی شغلی بر اثر غیر اثربخش بودن فعالیتها | <ul style="list-style-type: none"> • افزایش فعالیت های اقتصادی مشروع و نامشروع خانواده ها برای تأمین منابع مالی آموزش های غیر اثربخش • افزایش هزینه های آموزشی غیر اثربخش خانوارها • کاهش سهم دیگر کالاهای سبد خانوار مثل بهداشت، تفریحات، مواد غذایی و تأثیرات آن بر خانواده ها و جامعه • کاهش تمایل خانوارها به سرمایه گذاری در زمینه آموزش های رسمی • کاهش پس انداز خانواده ها و کاهش سرمایه گذاری آنها در بخش آموزش اثربخش به مثابه یکی از مطلوب ترین کالاها و خدمات در جامعه • ناپدید شدن یا کاهش سایر کالاهای آموزشی در سبد خانوار (کتاب، روزنامه، سینما و ...) • کاهش درآمد خانوارها بر اثر هزینه فرصت های از دست رفته فرزندان • افزایش فشار اقتصادی به ویژه به سرپرست های خانوار • افزایش رقابت در هزینه های غیر اثربخش آموزشی در میان خانوارها • افزایش هزینه های سربار ناشی از شرکت چندباره در کنکور | <ul style="list-style-type: none"> • هزینه فرصت های از دست رفته • افزایش کسب تقاضا به آموزش های غیر رسمی از سطوح راهنمایی • افزایش هزینه های آموزشی غیر اثربخش دانش آموزان • عدم توازن میان تقاضا و عرضه آموزش در مدارس غیر انتفاعی و رواج سودجویی و افزایش کسب تقاضای دانش آموزان به این گونه آموزش ها • کاهش سهم پس انداز دانش آموزان • آسیب رسانی به تجهیزات مدارس • افزایش رقابت های غیر اثربخش در انجام هزینه ها | <ul style="list-style-type: none"> • کنکور به مثابه عامل اختلال در اقتصاد آموزش • آسیب های اقتصادی در سطح خرد • آسیب های اقتصادی در سطح کلان | |

| پیامدها | | تهدیدهای برآمده از تهدیدها در سطح کلان | گونه شناسی تهدیدها |
|--|--|---|---|
| نظام آموزش و پرورش (به مثابه خرده سیستم اجتماعی) | خانواده | | |
| <ul style="list-style-type: none"> کاهش سرمایه‌های اجتماعی ایجاد فاصله میان نظام آموزشی و جامعه ایجاد فاصله میان نظام آموزشی و جهان کار افزایش ناهنجاری و بی‌هنجاری در محیط‌های آموزشی افت کیفی نظام آموزش رسمی تغییر نقش و اثرات مدرسه افزایش تنش در محیط‌های آموزشی دشوار شدن مدیریات کلاس و مدرسه | <ul style="list-style-type: none"> سرایت واکنش‌های منفی دانش آموزان به عرصه خانواده افزایش تنش در میان خانواده‌ها افزایش هزینه‌های درمانی ناشی از آسیب‌های تفکر و شناختی و روان شناختی اختلال در روابط اجتماعی خانواده افزایش شکاف نسلی رواج خشم، پرخاشگری، افسردگی در خانوارها خانواده گریزی و فرار از خانواده افزایش تمایل مهاجرت به شهرهای بزرگ افزایش خشونت در خانواده‌ها کاهش انسجام اجتماعی در حال و آینده | <ul style="list-style-type: none"> گذراندن دوران نوجوانی و دوران بحران هویت در رویارویی با رویدادهای پرفشار و آسیب‌زا و واکنش‌های ناشی از آن: اضطراب خشم و پرخاشگری وابستگی یافتن به دیگران گوشه‌گیری بی‌احساسی و افسردگی اختلال شناختی افت تحصیلی عدم شکوفایی استعدادها کاهش اعتماد به نفس (self-confidence) انفعال و گرایش به ناهنجاری و بی‌هنجاری ایجاد حس ناکامی ناشی از بی‌اثر بودن تلاش‌های انجام شده (نظریه تلاش و عملکرد) کاهش عزت نفس ناشی از سرزنش اجتماعی خانواده‌ها (self-stime) واکنش‌های برآمده از حس ناکامی و سرخوردگی افزایش سهم آموزش‌های پنهان نامناسب افزایش گرایش به تقلب | <ul style="list-style-type: none"> کنکور به مثابه رویدادی پرفشار و آسیب‌زا آسیب‌های روان شناختی ناشی از رویدادهای پرفشار آسیب‌های جامعه شناختی ناشی از واکنش‌های ناشی از فشار روانی افزایش خودکشی افزایش ضریب نفوذ فرهنگ‌های بی‌اصالت افزایش آسیب‌پذیری فرهنگی و اجتماعی مشکل در ورود به جهان کار مشکل در ورود به جامعه |

خط مشی‌ها:

- ایجاد تعامل میان آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و سازمان سنجش برای بررسی و تفاهم در مورد جایگزین مناسب کنکور با رعایت موازین زیر:
- جلوگیری از شتاب‌زدگی مبنی بر حذف ناگهانی کنکور؛ و حذف ترویجی آن بر مبنای مطالعات انجام شده و در حال انجام؛
- تغییر نظام سنجش و ارزیابی دانش آموزان در نظام آموزش و پرورش بر اساس استانداردهای علمی؛
- جداسازی سنجش و پذیرش دانشجو؛
- عدم ارجاع تصمیم‌گیری در مورد نظام آموزشی کشور به نهادهای غیر تخصصی؛
- جلوگیری از شتاب‌زدگی در ارجاع ناگهانی پذیرش دانشجو به دانشگاه‌ها تا شکل‌گیری و انجام برنامه‌های زیر:
 - برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی گروه‌های آموزشی و دانشکده‌ها در پذیرش دانشجو
 - تدوین ضوابط و معیارهای قابل اندازه‌گیری و شفاف در فرایند پذیرش دانشجو
 - اطلاع‌رسانی عمومی و شفاف ضوابط و معیارهای پذیرش دانشجو
 - ایجاد سیستم نظارتی قوی بر پذیرش دانشجو از طریق دانشگاه‌ها (از طریق نهادهای مدنی و دولتی)
 - کاهش تشریفات اداری و دیوان‌سالاری در فرایند پذیرش و ثبت‌نام دانشجویان
 - تصویب ضوابط و مقررات حقوقی محکم در فرایند پذیرش دانشجو با هم‌کنشی نهادهای ذینفع
- افزایش نقش آفرینی (مدارس) آموزش و پرورش در فرایند پذیرش متقاضیان تربیت معلم و دبیر بر مبنای رویکردهای علمی